



Journal of Historical Sciences Studies (JHSS)



Research Paper

doi 10.22059/jhss.2022.331450.473476

Investigating the role of Sheikh Husayn Yazdi in explaining and establishing the second principle of the Mashrotah constitutional

Ali Akbar Jafari Nadoushan¹

1. Associate Prof, Department of Law, Political Science and History Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: jafarinadoushan@yazd.ac.ir

| Article Info. | Abstract |
|--|---|
| <p>Received: 2021/09/28</p> <p>Accepted: 2022/11/08</p> <p>Keywords: Sheikh Husayn Yazdi, Taraz principle, sharia, parliament, law</p> | <p>Sheikh Husayn Yazdi is one of the constitutional jurists of Samarra and Najaf schools and one of the first members of the National Assembly who played an effective role in establishing the jurisprudential and legal system of the political system resulting from the constitutional movement. The drafting of the first constitution and its amendment in the first parliament along with the approval of the first legal institution-building laws such as justice and municipal laws, etc., which emphasize the religious supervision of top scholars on the legislative process, a figure of Sheikh Husayn Yazdi as a legislative jurist. It allows the constitutional legislative system to pass through the path of Imami jurisprudence and principles in order to protect the sharia standards in the matter of legislation, and to establish the structures of the new legal system based on the millennial legal tradition of this people. Therefore, in addition to the effective role he plays in the formulation and approval of this principle in the first parliament, he has played a special role in explaining and establishing the implementation of its provisions in order to continuously follow its implementation and finally prepare an executive-interpretative bill. It seems that in addition to religious belief, the practical experience of this member of the first parliament in the stability of Sharia-based laws has led to his efforts to establish and implement the second principle of the constitutional amendment.</p> |
| <p>*Corresponding Author: E-mail: jafarinadoushan@yazd.ac.ir</p> | |
| <p>How To Cite: Jafari Nadoushan, A. (2022). Investigating the role of Sheikh Hossein Yazdi in explaining and establishing the second principle of the Mashrotah constitutional. <i>Journal of Historical Sciences</i>, 14(2): 21-42.</p> | |
| <p>Publisher: University Of Tehran Press.</p> | |



فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی

سال ۱۴، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱. شماره پیاپی ۳۰



مقاله علمی-پژوهشی

بررسی نقش شیخ حسین یزدی در تبیین و تثبیت اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت

علی اکبر جعفری ندوشن^{*۱}

۱. استادیار، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: jafarinadoushan@yazd.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|---|---|
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۶ | <p>شیخ حسین یزدی در زمره فقهای مشروطه‌خواه مکتب سامرا و نجف، و از نمایندگان نخستین ادوار مجلس شورای ملی است که در تأسیس فقهی و حقوقی نظام سیاسی برآمده از جنبش مشروطیت، نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. تدوین اولین قانون اساسی و متمم آن در مجلس اول، همراه با تصویب نخستین قوانین نهادساز حقوقی نظیر قوانین عدلیه، بلدیة و... که با تأکید بر نظارت شرعی علمای طراز اول بر روند قانونگذاری است، از شیخ حسین یزدی چهره فقیهی قانونگذار به‌دست می‌دهد که نظام قانونگذاری مشروطه را از مجرای فقه و اصول امامیه می‌گذراند تا ضمن صیانت از موازین شرع در امر قانونگذاری، سازه‌های نظام حقوقی نوین را نیز بر پایه سنت حقوقی هزارساله این قوم استوار کند. از این رو، او علاوه بر نقش مؤثری که در تدوین و تصویب این اصل در مجلس اول ایفا می‌کند، به جهت پیگیری مداوم در اجرای مفاد آن و سرانجام تهیه لایحه اجرایی-تفسیری اصل مذکور در تبیین و تثبیت آن نیز نقش ممتازی ایفا نموده است. که به‌نظر می‌رسد علاوه بر اعتقاد دینی، تجربه عملی این نماینده ادوار نخستین مجلس در استواری قوانین شریعت‌محور، موجب اهتمام بیشتر وی جهت تثبیت و اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی بوده‌است.</p> |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷ | |
| واژه‌های کلیدی: شیخ حسین یزدی، اصل طراز، شرع، مجلس، قانون. | |

* رایانامه نویسنده مسئول: jafarinadoushan@yazd.ac.ir

استناد به این مقاله: جعفری ندوشن، علی‌اکبر (۱۴۰۱). بررسی نقش شیخ حسین یزدی در تبیین و تثبیت اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت. فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، ۱۴(۲): ۲۱-۴۲.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

۱. مقدمه

نهضت مشروطیت ایران که با درخواست عدالتخانه آغاز شده بود بتدریج به سوی قانون خواهی و تاسیس دارالشوری رفت. قانون گذاری و تاسیس نهادهای حقوقی نیز که ملهم از نظام حقوقی غرب بود نمی توانست فارغ از پیشینه حقوقی ریشه دار ملی که مبتنی بر سنت حقوقی و فقه شیعی بود، استوار گردد. از این رو علیرغم مخالفت‌هایی که تجددخواهان به-خرج می دادند با پایمردی برخی از مراجع و مجتهدین مشروطه خواه که بر مطابقت قوانین موضوعه با شرع اصرار می ورزیدند و با حضور مؤثر برخی از آنان در مجلس و کمیسیون ها و هیأت نظار، زمینه تدوین قوانین متناسب با شرع و عرف حاکم بر کشور فراهم آمد و نهضت مشروطه تا حدودی از اقتباس محض حقوقی رهید. از این رو، بررسی نقش و تاثیر این پیشکسوتان نهضت قانون گذاری نوین ایران، از حیث دست یافتن به مبانی تاریخی و حقوقی قوانین و نهادهای حقوقی واجد اهمیت است.

در این میان با وجود پژوهش‌های تاریخی و حقوقی که درباره موضوع مهم نظارت مجتهدین طراز اول بر قوانین مجلس براساس اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه موسوم به «اصل طراز» صورت گرفته است، نقش شیخ حسین یزدی مجتهد و نماینده ادوار نخست مجلس شورای ملی که تاثیر ممتازی در تصویب و تبیین و اجرای این اصل مهم داشته، همچون حیات علمی و سیاسی اش در بوته اجمال مانده است و تاکنون صرفاً فصل کوتاهی با عنوان «مشروطه در اندیشه سیاسی شیخ حسین یزدی» در کتاب «مفاهیم قدیم و اندیشه جدید» (آبادیان، ۱۳۸۸: ۲۹۱) آمده که ناظر به اندیشه سیاسی و دیدگاه‌های مشروطه خواهی شریعت محورانه وی است و اشاره‌های کوتاهی نیز به مواضع وی درباره اصل طراز دارد. مقاله ای نیز با عنوان «شرحی بر رساله تفسیر اصل دوم متمم قانون اساسی از شیخ محمدحسین یزدی» در ویژه نامه تاریخ مجلس مجله بهارستان منتشر شده که با انتشار سند تاریخی لایحه تفسیری شیخ به شرح مفاد آن پرداخته و از سایر کوشش‌های او در تدوین و اجرای اصل مذکور درگذشته است (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۹: ۴۱). از این رو در این مقاله، با روش توصیفی و تحلیلی مبتنی بر منابع کتابخانه ای و اسناد و مدارک تاریخی کوشیده ایم ضمن اشاره به حیات علمی و سیاسی این مجتهد قانونگذار نقش ویژه او را در تدوین و تثبیت اصل طراز که ضامن قانونگذاری مشروع در اولین تجربه تصویب قوانین پارلمانی ایران بود را نمایان کنیم.

۲. زندگی و زمانه شیخ حسین یزدی

شیخ محمدحسین یزدی در ۱۲۳۳ در ندوشن یزد به دنیا آمد. پدرش ملاعلیرضا بن ملاجلال از روحانیان اهل فضل و کرامت این ناحیه در نیمه اول قرن سیزدهم هجری بود. او نزد پدر روخوانی قرآن و ادبیات عرب و مغنی و مطول خواند و سپس در پانزده سالگی برای تحصیل حوزوی از ندوشن به اصفهان در نزد آیه الله شریعت اصفهانی رفت و تا خارج فقه و اصول را در حوزه اصفهان سپری کرد. وی در سال ۱۲۵۳ ش برای ادامه تحصیل راهی عتبات عالیات شد و در کربلا درس آیه الله حاج میرزا حبیب رشتی را درک کرد و سپس تا اخذ اجتهاد در سامرا نزد میرزای شیرازی بزرگ ادامه تحصیل داد و با درگذشت میرزای شیرازی برای حضور در مکتب آخوندخراسانی به حوزه نجف رفت و بیش از ۱۰ سال به درس و بحث فقهی مشغول بود (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۶۲: ۱۴۰). اما وقتی خبر شهادت برادرش ملامحمد خادم الشریعه که توسط جلال الدوله حاکم یزد مسموم گردیده بود به او رسید به جهت تظلم راهی دارالحکومه تهران شد و ضمن دادخواهی که منجر به عزل حاکم مزبور گردید به جمع علمای ناراضی و مبارز تهران راه یافت. او در مدرسه مروی تهران به تدریس فقه و اصول مشغول شد و کم کم در این شهر رحل اقامت گزید. شیخ یزدی که در نجف با دختر شیخ جعفر الهی و از نوادگان ملا احمد نراقی ازدواج کرده بود وقتی به تهران مهاجرت کرد به صف مشروطه‌خواهان پیوست. همسرش هم با عضویت در انجمن حریت زنان و در کوران مخالفت‌هایی که با تاسیس مدارس دخترانه صورت می‌گرفت توانست به پشتوانه و حمایت شیخ حسین که مرجعیت دینی داشت. پایه گذار یکی از نخستین مدارس مخصوص دختران به نام عفتیه در سال ۱۲۸۹ گردد. وی که در آن سال‌ها به صفیه یزدی موسوم بود به جهت سخنرانی‌های جسورانه‌ای که در باب حقوق و آزادی‌های زنان می‌کرد شهرت زیادی یافت. پسران شیخ حسین نیز محمد و مرتضی یزدی بودند که در نجف به دنیا آمدند و نخست آموزش حوزوی دیدند ولی با مهاجرت پدرشان به تهران شیخ محمد یزدی مدیر با تجربه‌ای در دستگاه نو بنیان ثبت اسناد و املاک شد و مرتضی یزدی هم که پزشک جراح و استاد دانشکده پزشکی بود به جهت ورود به فعالیت‌های سیاسی حزب توده سال‌ها زندانی شد و شکنجه‌های سختی در رژیم پهلوی از سر گذراند.

شیخ حسین یزدی با پیروزی نهضت مشروطیت در دور نخست مجلس شورای ملی به نمایندگی علمای تهران وارد مجلس شد. نقش او بعنوان یکی از مجتهدین حاضر مجلس در

تصویب قانون اساسی و بویژه متمم آن حایز اهمیت بود و از این رو وقتی مجلس دوره اول در روز ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ / ۲ تیر ۱۲۸۷ به دستور محمدعلی شاه و توسط قزاقهای تحت فرماندهی لیاخوف روسی به توپ بسته شد. شیخ حسین یزدی همراه با جمع دیگری از نمایندگان دستگیر شد که با میانجگیری و تلاش برخی علما و بازاریان آزاد گردید.

او در دوره‌های دوم و سوم و چهارم مجلس هم نماینده تهران در مجلس شورای ملی بود و در دوره دوم سعی بلیغی در تصویب پاره ای قوانین مالی داشت اما نظریات او در فراکسیون اعتدالیون که به جرح و تعدیل دیدگاههای نمایندگان فراکسیون دموکرات ها می‌انجامید بویژه در پیگیری و تبیین و تثبیت اصل دوم متمم قانون اساسی که موسوم به اصل طراز است در این دوره مجلس از اهمیت زیادی برخوردار است که به نحوه مبسوط در این مقاله از آن سخن خواهیم گفت.

در دوره سوم مجلس که ۱۴ آذر ۱۲۹۳ پس از سه سال فترت افتتاح شد و به دلیل وقوع جنگ جهانی اول بیش از یک سال دوام نیاورد. شیخ حسین در دوره سوم ادای سوگند را مشروط بر این کرد که وضع جسمی خود را برای نمایندگان توصیف کند که در میان به ثقل سامعه و ضعف حافظه خود اشاره داشت. شیخ پس از کودتای ۱۲۹۹ ش به همراه مدرس، فرخی یزدی، ملک الشعراى بهار بازداشت شد و سپس همراه عبدالحسین فرمانفرما تا پایان دولت سیدضیال‌الدین طباطبایی در قزوین در تبعید بود (بهار، ۱۳۹۲: ۱۹). در سال ۱۳۰۴ با روی کار آمدن سردار سپه، شیخ حسین یزدی همچون اغلب علمای مشروطه‌خواه جهت خروج دولت مشروطه از بن بست ناکارآمدی و تشتت و دفع شر جمهوری خواهی رضاخان که آن با جمهوری لائیک آتاتورک یکسان می‌دانستند (فیرحی، ۱۳۹۴: ۴۱۱) با تبدیل سلطنت قاجار به پهلوی همراهی کرد و در مجلس مؤسسان با شرکت شماری از روحانیان دیگر مانند سید ابوالقاسم کاشانی، شیخ ضیاء الدین کیانوری و میرزا شهاب کرمانی، به الغای سلطنت قاجاریه رأی داد و در مقام ریاست سنی مجلس مؤسسان در تجدیدنظر اصول ۳۶، ۳۷ و ۳۸ متمم قانون اساسی که منجر به انتقال سلطنت از قاجاریه به پهلوی گردید، مؤثر افتاد (جعفری ندوشن و...، ۱۳۹۹: ۵۳).

او در سال ۱۳۰۶ با سمت حاکم شرع با رتبه ۹ قضایی در عدلیه نوین حضور می‌یافت و به‌عنوان رئیس محکمه شرع بر صدور آرای قضایی نظارت فقهی داشت. حضور در کمیسیون‌های مختلف تدوین قوانین بویژه کمیسیون عدلیه طی ادوار مختلف مجلس شورای

ملی از یک سو و ارتباط نزدیکی که با حوزه علمیه قم بواسطه دوستی و هم درسی با حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی داشت (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۶۲) موجب شد تا او نقشی ممتاز در تقریب دیدگاه‌های عرفی و شرعی حاکم بر نظام قانونگذاری کشور در آن ادوار نخستین مجلس ایفا کند و از رجال موسس و مؤثر دهساله اول مجلس قانونگذاری ایران به شما آید که در بنیان بسیاری از سنت‌ها و نهادهای پارلمان تأثیرگذار بود به گونه‌ای که حتی املاک عمارت بهارستان نیز به وکالت از نمایندگان توسط وی خریداری و وقف مجلس شورای ملی گردید. (حاجی عباسی، ۱۳۸۳: ۲۹).

شیخ حسین که ذهن وقاد و حافظه قوی داشت و مجتهد ثقه و صاحب فتوایی در پایتخت محسوب می‌شد و در امور فقهی مورد مراجعه طلاب و روحانیون قرار داشت. نقل است حتی فلسفی واعظ مشهور نیز جواز منبر و نقل حدیث خود را از او گرفته است (دوانی، ۱۳۸۲: ۸۰). شیخ یزدی بواسطه همین وجهت ممتاز شرعی در دفاع از کیان شریعت و مرجعیت در حوادث گوناگون پیشرو شناخته می‌شد از جمله می‌توان به مهاجرت و تبعید علما و روحانیون از عتبات به ایران در سال‌های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ اشاره کرد که ریشه در مخالفت صریح آنان با معاهده عراق و انگلیس (۱۰ اکتبر ۱۹۱۹/۱۹ صفر ۱۳۴۱) داشت. این معاهده نظارت و قیمومیت انگلیس بر عراق را در امور مالی، نیروهای نظامی و سیاست خارجی در برمی‌گرفت لذا مورد اعتراض نیروهای سیاسی استقلال طلب عراقی، بویژه روحانیت شیعه و مراجع مقیم عتبات قرار گرفت و منجر به اخراج شیخ مهدی خالصی و سیدابوالحسن اصفهانی و میرزای نائینی از این کشور شد این رفتار استعماری وهن آمیز انگلیس و دولت عراق موجی از اعتراضات مردمی در عراق و ایران به راه انداخت که رهبری آن در ایران با علمای پایتخت بود در راس این علما شیخ حسین یزدی، سیدابوالقاسم کاشانی و شیخ حسین لنکرانی قرار داشتند (فلاح توتکار و...، ۱۳۹۱، ۹۲). این گروه که کانون فعالیت‌هایشان مسجد سلطانی تهران بود به اتفاق شیخ محمد خالصی زاده جمعیت عالی نمایندگان بین‌النهرین را تاسیس کردند و با سخنرانی و انتشار مقاله و حتی نشریه: «لواء بین‌النهرین» و با ارسال تلگراف به مجامع بین‌المللی نسبت به این واقعه تا بازگشت علما به عتبات از پای ننشستند، در این میان مقاله «بیان تکلیف عامه مسلمین» به امضای «محمد حسین الیزدی الندوشنی» حاوی مطالب بسیار جالب و مهمی در مورد وجوه مختلف حرکت علما از عتبات به ایران است (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۳: ۴۷). در ابتدای این

مقاله مفصل و طولانی که طی دو صفحه کامل روزنامه شفق سرخ انتشار یافته بود، آمده است: «یک مرتبه دیگر خامه رشید صالح‌ترین و بی‌غرض‌ترین علمای درجه اول تهران به نشر حقایق اسلامیة مبادرت کرد» (روزنامه شفق سرخ، ۱۳۰۲: ۱). او را بسیاری از هم عصرانش به زهد و پارسایی توصیف کرده اند. به گونه‌ای که منقول است او در مصادر نمایندگی مجلس و محکمه شرع حاضر به دریافت حقوق نبود (مدرسی، ۱۳۸۴: ۲۹۴) و لذا تمام درآمد خود را صرف خرید ساختمانی برای مداوای بیماران به سازمان شیر خورشید ایران اهدا کرد. پسرش مرتضی یزدی در شرح حال دوران کودکی خود می‌گوید: «ما در خانه هر روز غذای گرم نداشتیم. در تمام مدت سال حتی فصل زمستان، تنها پاپوش من گیوه‌های یزدی بود که از ندوشن عموزاده‌هایم می‌فرستادند... از این نمونه پی ببرید تا چه اندازه زندگی ما فقیرانه بوده است. پدرم پس از مرگ یک خانه شخصی نداشت که مادرم در آن‌جا زندگی کند.» (شفیع نور محمدی، ۱۳۹۰: ۲۵۲) او در سال‌های پایانی عمرش، حاصل سال‌ها تدریس و تحقیق خود را در موضوعات فقهی و اصولی تبویب کرده بود با سایر کتب و منشورات خود به کتابخانه مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری) سپرد و در سال ۱۳۱۱ در اثر بیماری از دنیا رفت و در حرم حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد (کاظمینی، ۱۳۸۳: ۱۵۹۷).

۳. شیخ حسین یزدی و مشروطیت

شیخ حسین یزدی فقیهی بود که در نزد میرزای شیرازی به درجه اجتهاد دست یافته بود و در حالی که پس از درگذشت این مرجع بزرگ در کنار بزرگان نام‌آوری چون آخوند خراسانی و میرزای نائینی در مکتب فقهی نجف به تحقیق و تدریس اهتمام داشت. با آغاز مبارزات علمای مشروطه‌خواه تهران که غالباً شاگردان میرزای شیرازی و همدوره‌ای‌های او محسوب می‌شدند و چون به تهران مهاجرت کرده بود بعنوان نماینده آیات ثلاث در برهه‌های مختلف این نهضت از جمله مهاجرت صغیر شرکت داشت. او با تعطیلی درس خود و تحصن در حرم عبدالعظیم در این واقعه شرکت داشت (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۹۸: ۲۸۴). پس از این واقعه، شیخ حسین یزدی به اتفاق ۲۵ تن از علمای فعال در تحصن توسط عین الدوله تحت تعقیب قرار گرفت (کاظمینی، ۱۳۸۳: ۱۵۹۷) که خود یکی از مقدمات مهاجرت کبری را فراهم کرد و سرانجام به صدور فرمان مشروطیت انجامید.

با پیروزی نهضت مشروطیت، شیخ حسین یزدی که از مبارزان شناخته شده آن محسوب می‌شد، ابتدا به عضویت انجمن نظارت بر انتخابات مرکزی حوزه تهران برگزیده شد و سپس به اصرار علما و به نمایندگی از آنان در ۲۴ بهمن ۱۲۸۵ به اتفاق افرادی چون مؤتمن‌الملک و مستوفی‌الممالک و... بجای نمایندگان مستعفی و متوفی وارد مجلس شورای ملی گردید که تا دوره سوم مجلس ادامه داشت. او از مدافعان جدی مشروطیت بود و لذا وقتی مجلس با مخالفت‌های سازمان یافته مشروطه ستیزان روبرو می‌شد با توسل به مراجع نجف و کسب حمایت آنان، به استقرار مجلس مدد می‌رساند. ۳ حضور متوالی در مجلس و چالش‌های نظری که بر سر تصویب قانون اساسی و قوانین دیگر در می‌گرفت موجب تاملات و تقریرات نظری او در مبانی و آثار مشروطیت می‌گردید که در نطق‌ها و مقالاتی که از او برجا مانده، تبلور یافته است؛ وی در پرتوی مطالعات فقهی و اصولی خویش به امکان سنجی اندیشه حکمرانی نوین و بومی‌سازی نهادهای برآمده از آن می‌پرداخت و در این راه همگام با علمای دیگر به بنیان فقه سیاسی دولت مشروطه مدد می‌رساند و از آنجا که در جامعه سنتی ایران به جهت عدم تبیین مبانی و مفاهیم اساسی مشروطیت، درک واحد و واضحی از این واقعه حقوقی-سیاسی جدید وجود نداشت. شیخ حسین یزدی بر پایه دانش ممتاز فقهی و اصولی خویش و جاهت سیاسی-اجتماعی ناشی از نمایندگی مردم در مجلس شورای ملی سعی می‌کرد در برابر موج‌های مشروطه‌خواهی مقلدانه که با نفی هر گونه آئین و سنن بومی صورت می‌گرفت، مقاومت کند. او در پاسخ به نمایندگانی که مروج این نوع دیدگاه‌ها بودند می‌گفت:

«گویا تاریخ اروپا را جلو نهاده و وقوع هر حادثه و مذاکره هر مسأله را عینا نقل به ایران کرده و از روی حوادث اروپا که مبتنی بر اساس عادات و اخلاق و قوانین محلیه بوده، نتایج موهوم در ترتیبات آتی ایران به دست آورده و مثل این که فرانسه یا انگلیس حلول در ایران کرده یا مردمان آنجا نقل مکان به این نقطه نموده بدون آن که یک نقطه از عادات خود را تغییر داده باشند، تواریخ گذشته آنها را تکرار کرده و سرمشق‌های عملیات ما در آینده قرار می‌دهند... و به محض این که یک روزی در یک نقطه از اروپا یک حرفی زده شد یا حرکتی صادر گشته بی درنگ تمنای تجدیدیش را در ایران می‌نمایند.» (یزدی، ۱۳۲۸ق: ۳)

شیخ ضمن انتقاد از این تقلید بی‌چون و چرای برخی متجددین، که آن را ناشی از اختلاط مواضع دین اسلام و مسیحیت می‌دانست صراحتاً «تلقینات کلیسا» را با احکام و موازین «فقه اسلامی» قابل قیاس نمی‌دانست و می‌گفت فقط بخش کوچکی از فقه مربوط

به عبادات است و جزء اعظم آن را معاملات و ایقاعات و حدود و دیات و قضاوت تشکیل می‌دهد و لذا نمی‌توان به قوانین شرعی در مجلس قانونگذاری بی‌اعتنا ماند (یزدی، ۱۳۲۸ق: ۲).

البته او در مجلس دوم که منازعات نظری بر سر حدود دخالت دین در امر قانونگذاری بالا گرفته بود در مواجهه با نمایندگان که قائل به تفکیک کامل امور عرفی از مسائل شرعی بودند با تاکید بر مبانی نظری مشروطیت، لازمه نفوذ و تداوم قوانین پارلمانی را اتکاء آنها به سنن فقهی و حقوقی جامعه ایرانی می‌دانست که ریشه در مذهب تشیع دارد: «حکومت ملی باید دارای قانونی باشد که اکثریت ملت آن را بیسندد و چون اکثریت ملت ایران احکام اسلام و قانون اساسی را که مشتمل بر آن اصل ابدی است پیرو و خواهانند و به رعایت حقوق مشروطیت و اصول مسلمة حکومت ملی، اقلیت هم ملزم به تقدیس آن است پس اکثریت مجلس هم احکام شرع و قانون اساسی را باید پیروی نمایند.» (یزدی، ۱۳۲۹ق: ۳)

شیخ حسین یزدی در برابر نمایندگانی که در حزب دموکرات منادی جدایی دین از سیاست بودند و مشروطه ایرانی را مشروطه غربی می‌خواستند به ناگزیر به حزب اعتدالی پیوست و در مقام نظریه پرداز این جناح اکثریت مجلس به امکان تعاطی آموزه‌های اسلام و مشروطیت پرداخت. او به تبعیت از مراجع نجف همچون آخوند خراسانی و مازندرانی همزمان در مواجهه با دوجبهه غربگرایان نافی شرع و متشرعان ضد مشروطه به ترویج گفتمان مشروطه‌خواهی دیندارانه می‌پرداخت. این تفاسیر شریعتمدارانه از مشروطیت موجب شد تا آخوند خراسانی در مورد این شاگرد خلف خود بگوید: «مخالفت با مجلسی که حاج شیخ حسین یزدی در آن عضویت دارد در حکم محاربه با امام زمان است.» (کاظمینی، ۱۳۸۳، ۱۵۹۷)

۴. نقش شیخ حسین یزدی در تاسیس و تفسیر اصل طراز

اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه برای علما و مجتهدین فعال در نهضت مشروطیت از اهمیت فراوانی برخوردار بود و نگرانی بسیاری از آنان را در خصوص نقض موازین شرع در روند نظام قانونگذاری های نوین توسط مجلس شورای ملی را مرتفع می‌کرد. از این رو شیخ حسین یزدی که به نمایندگی از روحانیون و علمای دینی به مجلس اول راه یافته بود بنا به اعتقاد دینی و رسالت روحانی خویش و به تاسی از مراجع نجف، در مراحل تصویب و اجرا و

تبیین و تفسیر این اصل متمم قانون اساسی که آن را اصل «ابدیه» می‌خواند (روزنامه مجلس، ۱۳۲۹.ق.۳) نقش ممتازی ایفاء کرد که با کمتر نماینده مجلس و یا عالم روحانی در آن دوره قابل قیاس است.

۴-۱. تصویب اصل طراز

در کوران تدوین متمم قانون اساسی به پیشنهاد شیخ فضل الله نوری و حمایت روحانیون و مراجع مشروطه‌خواه، اصلی به این قانون افزوده شد که به «اصل طراز» موسوم گشت. شیخ حسین یزدی به نمایندگی از مراجع نجف سعی بلیغی در تصویب این اصل نمود و نقش ممتازی در فرونشاندن منازعات مخالفین و تفاهم بر سر متن نهایی اصل مزبور داشت. وی درباره نقش خود در تهیه و تصویب این اصل می‌گوید: «اجمالاً با این که خود حقیر در وقت نوشتن و جرح و تعدیل این ماده حاضر بودم» (یزدی، ۱۳۲۹.ق.۴) از آنجا که تدوین متمم قانون اساسی قریب هشت ماه به طول انجامید و در تهیه آن، روحانیون حضور و مشارکت فعالی داشتند، به نحوی که حتی شورای مستقلی مرکب از تعدادی از مجتهدین و روحانیون تشکیل داده و مواد پیشنهادی را جداگانه بررسی می‌کردند. از میان آن هیئت کسانی همچون آیت‌الله بهبهانی، آیت‌الله طباطبایی و شیخ فضل‌الله نوری نامشان معلوم است و چند تن هم نامعلوم؛ (کدیور، ۱۳۸۵: ۲۸۳) که پاره ای محققین احتمال می‌دهند یکی دیگر از اعضای این هیأت شیخ حسین یزدی باشد (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۹: ۴۷) و بدین ترتیب می‌توان گفت که شیخ حسین یزدی در مشارکت سایر نمایندگان روحانی مجلس، اصل دوم متمم قانون اساسی را نیز به شرح زیر به تصویب رساندند:

«مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل‌الله‌فرجه و بذل مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله‌امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است، باید در هیچ عصری از اعصار، مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی‌الله‌علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام‌الله برکات وجودهم بوده و هست؛ لهنذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار، هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند، به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسلام، ۲۰ نفر از علماء که دارای صفات مذکوره باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند؛ پنج نفر از آنها را یا بیشتر به مقتضای عصر، اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده، به سمت عضویت بشناسند تا موادی که در مجلسین عنوان می‌شود به دقت مذاکره و

غوررسی نموده، هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علما در این باب، مُطاع و متَّبِع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل الله فرجه تغییرپذیر نخواهد بود».

۴-۲. اجرای اصل طراز

هرچند این اصل در همان مجلس اول که به تصویب رسیده بود به جهت عدم معرفی علمای طراز اول فرصت اجرا نیافت اما در همان مجلس نیز وقتی نوبت به تصویب قانون عدلیه می‌رسد شیخ حسین یزدی در جلسه سه شنبه اول محرم ۱۳۲۶ ق از رئیس مجلس می‌خواهد تا طی نامه ایی از علمای نجف درخواست کند اسامی ۲۰ نفر از علمای طراز اول را جهت انتخاب ۵ تن و تشکیل هیأت علمای طراز اعلام کنند و سپس به تطبیق قانون عدلیه بپردازند. «حالا که وکلای محترم در تکمیل نواقص مجلس اقدامات مجدانه دارند، خوب است به موجب آن ماده قانون اساسی، در باب نظارت پنج تن از علمای اعلام هم شرحی حضور آقایان حجج الاسلام نجف اشرف نوشته شود که بیست نفر را انتخاب نمایند» و سپس ادامه داد؛ چرا که آیا ممکن است مجلسی برای تقویت اسلام و امر به معروف و نهی از منکر و حفظ بنیان اسلام تاسیس شود ولی قوانین آن لزوم موافقت با شرع را نداشته باشد (ابوطالبی، ۱۳۸۷: ۳۹).

وی در جلسه بعد که مصادف با ۱۲ محرم بود همین درخواست خود را تکرار کرد و چون از اقدام مجلس در این خصوص ناامید بود به اتفاق سایر نمایندگان روحانی مجلس خواهان ارجاع قانون مزبور به علما و اخذ نظر آنها شد که سرانجام با تشکیل کمیسیون تطبیق مرکب از علمای مجلس که وی نیز در آن عضویت یافت و امر مطابقت قانون مزبور با شرع انجام می‌گردید. (روزنامه مجلس، ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۶ ه.ق) در ۲۸ ربیع الاول همان سال نامه‌ای از سوی آخوند خراسانی با سوال از نحوه و محل انتخاب علمای طراز اول در مجلس قرائت می‌شود و جز اظهار نظرهایی که توسط برخی علمای مجلس نظیر حاج امام جمعه و شیخ حسین یزدی و... می‌شود عملاً تا پایان دوره اول مجلس شورای ملی از مجموعه مباحثات و مجادلاتی که صورت می‌گیرد نتیجه خاصی به دست نمی‌آید (جعفری ندوشن، ۱۳۵۷: ۱۴۰۰).

با آغاز مجلس دوم، مراجع عظام نجف طی پیامی در تبریک افتتاح مجلس دوم آورده بودند: «در خصوص هیئت مجتهدین عظام که به موجب فصل دوم [متمم] قانون اساسی

برای مراقبت عدم مخالفت آراء صادره با قوانین شرعی هم باید محرض شود، چون تحقیقات لازمه این امر به انجام نرسیده، عجالاً عده‌ای از آقایان عظام علمای اعلام تهران را که مسلمین و قبول عامه دارند، موقتاً برای قیام به این وظیفه انتخاب فرمایند تا تحقیقات و اعیان انجام و نتیجه را اعلام داریم» (روزنامه مجلس، ۲ ذیقعد ۱۳۲۷ ه. ق) با پیگیری علمای تهران از جمله شیخ حسین یزدی نامه دیگری نیز از مراجع نجف در تاریخ ۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ ق خطاب به آقایان عظام حجج اسلام حوزه مقدسه علمیه فرستاده شد که علمای هیئت نظار را به اکثریت آراء یا قرعه پنج نفر یا بیشتر، از آن میان انتخاب نموده و به عضویت مجلس معرفی کنند: «مستدعی است که هرکس بینکم و بین الله دارای اوصاف ثلاثه مذکوره [مجتهدین عدول عارفین] دانند و به علاوه بی‌غرضی او عندالعموم مسلم و صاحب قبول عامه باشد، یعنی اشخاص مسلم و متفق علیه عندالنوع را به این خادمان شرع انور معرفی نمایند تا در تکلیف شرعی خود کاملاً با بصیرت باشیم.» (کدیور، ۱۳۸۵: ۲۴۹)

عدم توجه لازم به این پیگیری‌های مراجع عظام و بهانه مجلس در خصوص عدم وصول لیست ۲۰ نفره علمای طراز اول از سوی مراجع مزبور موجب شد تا پس از ماهها تعلل در اجرای اصل مزبور در ربیع الثانی ۱۳۲۸ ه. ق انجمن قدرتمند ایالتی آذربایجان، از مجلس بخواهد هر چه زودتر زمینه اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی را فراهم کند و از مراجع نیز معرفی ۲۰ تن از علمای طراز اول را درخواست نماید (ترکمان، ۱۳۶۹: ۱۷). از همین رو در سوم جمادی الاولی ۱۳۲۸ ه. ق، نامه آخوند خراسانی و مجتهد مازندرانی مبنی بر اعلام اسامی ۲۰ نفر از «مجتهدین عدول عارف به مقتضیات عصر» که از میان آنها ۵ نفر به اکثریت آراء و یا قرعه انتخاب شوند بدست مجلس رسید. این نامه علاوه بر مراتب مذکور حدود نظارت علمای طراز اول را نیز روشن ساخته بود و در حالی که امور قضا، حدود و قصاص و دیات را از قلمرو قانونگذاری مجلس خارج دانسته بود علمای طراز اول نیز از مداخله در قوانین مالی و بودجه ای کشور بر حذر داشته و نظارت آنها را بر قوانین اجرایی و سیاسی تجویز می‌کرد (حائری، ۱۳۷۴: ۱۰-۱۵).

پیرو این نامه مراجع نجف، مجلس مدتی را صرف مذاکرات طولانی در موافقت و مخالفت با اصل موضوع و سازو کار اجرای آن، نمود و نمایندگانی چون تقی زاده، سیدحسین اردبیلی و رسول زاده و پیروان حزب دمکرات دائماً در مخالفت با موضوع صحبت می‌کردند و شیخ حسین یزدی و اعضای حزب اعتدالی نیز در موافقت و تحکیم این

اصل متمم قانون اساسی می‌کوشیدند (روزنامه مجلس، سال سوم، ش ۲، ۱۳۴۲ رجب ۱۳۲۸ق). و از این رو پس از رفع ابهامات و اشکالات مطروحه بویژه نحوه انتخاب پنج تن از مجتهدین طراز اول، النهایه آقایان زین العابدین قمی به اتفاق آراء و آسیدابوالحسن اصفهانی، آسیدعلی حائری، آسیدحسن مدرس و حاجی امام جمعه خوئی به حکم قرعه انتخاب شدند که عملاً بجز سیدحسن مدرس و امام جمعه خوئی هیچ یک از مجتهدین دیگر و حتی افرادی که به جانشینی آنها معرفی شدند در مجلس حاضر نشدند و در عمل مجلس بجای آنها مجتهدینی که عضو مجلس شورای ملی بودند را در ترکیب هیأتی که به «هیأت مجتهدین اعضا» موسوم بود جای داد و امر مطابقت قوانین با شرع را به هیأت مزبور ارجاع می‌داد. شیخ حسین یزدی هم در این هیأت عضویت داشت و ساعی در اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی و اوامر مراجع عظام بود. صدراالاشراف در خاطرات خود آورده است:

«در سال ۱۳۲۹ ق مجلس و زعمای آزادی صلاح دانستند که صمصام ال سلطنه بختیاری را مسؤول دولت و ریاست وزرایی منصوب کنند. قبل از این قضیه مشیرالدوله وزیر عدلیه شده بود... وی در منزل خود مشغول تهیه قوانین تشکیلات و اصول محاکمات عدلیه بود و در قوانین اصول محاکمات اکثراً من طرفدار او بودم؛ یکی برای سابقه من به محاکمات عدلیه و دیگر برای آن که قانونی مخالف قوانین شرع نوشته نشود، چه آن موقع که علمای طراز اول مطابق ماده دوم متمم قانون اساسی مرکب از ۵ نفر ۱. حاج میرزا یحیی امام جمعه خوبی ۲. سید حسن مدرس ۳. حاج میرزا زینا لعابدین قمی ۴. حاج محمدحسین یزدی ۱ و یک نفر دیگر که در مجلس بود و مطابق قانون اساسی هر قانونی که مخالف قوانین شرع باشد، اگرچه به تصویب عامه وکلا برسد، علمای طراز اول می‌توانند آن را رد کنند. مشیرالدوله قوانین تشکیلات عدلیه و حدود محاکم و قوانین اصول محاکمات و اجرای احکام را در مدت شش ماه تهیه کرده و به مجلس برد و پس از طبع و توزیع قوانین و مطالعه وکلا و علمای طراز اول، قانون تشکیلات در مجلس تصویب شد. مجتهدین طراز اول در آغاز با مشیرالدوله در خصوص قانون اصول محاکمات حقوقی به سختی مخالفت کردند که اگر قانون اصول محاکمات حقوقی مزبور در مجلس مطرح شود، آن را به کلی رد خواهند کرد. دلایل مخالفت آنان مغایرت بعضی از مواد قانون مزبور مانند تصدی قضاوت توسط افرادی غیر از مجتهدین و توقیف اموال افراد قبل از ثبوت حق بود.» (صدر، ۱۳۶۴: ۶۷)

۴-۳. تفسیر اصل طراز

در مجلس دوم با نامه‌های مراجع نجف در معرفی علمای طراز و پیگیری انجمن‌های ایالتی تبریز و مشهد، تشکیل هیأت مجتهدین نظار، صورت جدی تری به خود گرفت و مخالفت‌هایی هم از سوی پاره ایی نمایندگان بویژه اعضای حزب دمکرات با آن شروع شد

که در این میان مخالفت‌های سیدحسین اردبیلی نماینده مخالف اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی که شبهات متعددی در تدوین و اجرای اصل مزبور مطرح می‌ساخت و پاسخ‌های شیخ حسین یزدی که در توسل به مبانی فقهی و اصولی طی نطق و اظهارنظرهایی در مجلس و یا انتشار مقالاتی در روزنامه مجلس در رفع شبهات و تبیین و تحکیم اصل طراز می‌کوشید؛ نخستین ادبیات حقوقی و سیاسی لازم درباب مبانی و سازو کار تاسیس هیأت نظار در تاریخ حقوق اساسی ایران فراهم ساخت. در این باره علاوه بر مذاکرات مجلس به مجموعه نوشته‌های شیخ حسین یزدی نیز می‌توان اشاره داشت که بطور مثال ذیل عناوین زیر انتشار می‌یافت: «مقایسه ممالک یا تقلید بی موضوع» (روزنامه مجلس، سال سوم، ش ۱۱۰ و ۱۱۱، ۲۶ و ۲۸ ربیع‌الآخر ۱۳۲۸) و «تفکیک قوت سیاست از روحانیت» (روزنامه مجلس، سال چهارم، ش ۱۰۲، ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۹) و حتی «مرامنامه مسلکی اعتدالیون» (روزنامه مجلس، سال چهارم، ش ۸۵، جمادی الاول ۱۳۲۹) که پاره‌ای محققین معتقدند توسط شیخ حسین یزدی نوشته شده است (آبادیان، ۱۳۸۸: ۲۹۳). اما در این میان، مقاله مفصلی که تحت عنوان «لایحه آقا شیخ حسین یزدی درباب تفسیر اصل دوم [متمم] قانون اساسی» (روزنامه مجلس، ش ۱۰۱ تا ۱۰۴، ۱۹ الی ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۹ق) به قلم این نماینده مجتهد مجلس طی چند شماره روزنامه مجلس منتشر شده است از حیث پاسخ به شبهات مطروحه مخالفین هیأت نظار و تبیین و تفسیری که از اصل دوم به دست می‌دهد. واجد اهمیت بیشتری است. وی ابتدا قصد داشت تا نظرات و پیشنهادات خود را در این باره که بصورت مکتوب تدوین کرده بود در مجلس بخواند و ضمن پاسخ به ایرادات مخالفین زمینه اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی را تسهیل کند اما چون به جهت تفصیل مطلب اجازه قرائت آن را نیافت، متن آن را در روزنامه مجلس منتشر ساخت تا به اطلاع نمایندگان برسد.

۴-۳-۱. در ضرورت اصل طراز

شیخ حسین یزدی در این مقاله نخست به علل و مبانی وجودی هیأت نظار می‌پردازد و سعی می‌کند با استدلهای نظری خود نقش و اهمیت اجرای اصل دوم را تبیین کند. او با اشاره به تاریخ اسلام، از اجرای احکام و قوانین اسلامی در حکومت صدر اسلام و برابری و مساوات و حکومت عادلانه برآمده از آن جهت اثبات کارآمدی موازین شرعی شاهد مثال

می‌آورد: «دلیل اجمالی آن که قوانین اسلام همان قوانینی است که به واسطه اجرای آن در صدر اسلام که ولایت امر جز سعادت ملت منظوری نداشتند و درجه مساوات به حدی بود که سلطان با ادنی رعیت حتی در امر معاش مساوی و یکسان بودند، در مدت سی سال اغلب روی زمین را مسخر کرده و پرچم ترقی و تمدن بر فراز بقیه عالم برافراشتند.» (روزنامه مجلس، ش ۱۰۲، ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۹ق) و سپس شیخ حسین احکام و قوانین اسلامی را به چند دسته تقسیم می‌کند و از احکام عبادی اسلام و مقررات ناظر به عقود و ایقاعات به این جهت که محل اختلاف و مناقشه چندانی نیست درمی‌گذرد و در باب احکام ناظر به محرمات و محدودیت‌های شرعی نیز ضمن تلاش در بیان مبانی شرعی و عقلی آنها به آثار مخرب و مخاطره آمیز نقض و بی‌توجهی به مقررات شرعی در دوره‌هایی اشاره می‌کند که مورد اعتراض قاطبه مردم مسلمان بوده و به دلیل عدم ابزار نظارت شرعی علما امکان پیشگیری از آنها فراهم نگردیده است. وی در ادامه با تشبّث به مبانی دموکراسی که مبتنی بر آرای عمومی است. اعمال نظارت شرعی بر قوانین و مقررات و جلوگیری از نقض موازین اسلامی را به رای و نظر اکثریت مردم مسلمان ایران ارتباط می‌دهد: «حکومت ملی باید دارای قانونی باشد که اکثریت ملت آن را بپسندد و چون اکثریت ملت ایران احکام اسلام و قانون اساسی را که مشتمل بر اصل ابدی است، پیرو و خواهانند و به رعایت حقوق مشروطیت و اصول مسلمة حکومت ملی، اقلیت هم ملزم به تقدیس آن است، پس اکثریت مجلس هم احکام شرع و قانون اساسی را باید پیروی نماید و الا نماینده اکثریت ملت نیست و با استبداد فرقی ندارد.» (روزنامه مجلس؛ ش ۱۰۳، ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۹ق)

شیخ حسین یزدی در ادامه با اشاره به احکام اولیه و ثانویه در اسلام، تلویحا به اعتبار رابطه پیروانه یا مقلدانه نمایندگان مسلمان با مجتهدین عادل هیأت نظار بروز هر گونه تعارض در مقام تطبیق قوانین مجلس با احکام اولیه و عدم اجرای احکام مزبور را منتفی می‌داند و در مواردی که بنا به معذوراتی امکان اجرای احکام اولیه نباشد احکام ثانویه را با عنایت به شرط عدالت مسلم در مجتهدین هیأت نظار موقتا لازم الاجرا تلقی می‌کند و بدین ترتیب اجرای احکام شرعی را در مقام تقنین و مطابقت قوانین با شرع، امری بدیهی و مسلم می‌داند: «در هر صورت با اعتبار اسلام در نمایندگان و عدالت در هیأت نظار، این دو همواره موافق و معاضد و هیچ گاه خالف نمی‌شوند.» (همان) هرچند در جایی دیگر به رعایت شأن نمایندگی، آزادی بیان نمایندگان را در مقام نطق و اظهارنظر پیرامون دیدگاه هیأت نظار و

اقناع نظر آنها در اختلاف نظرها را نیز مانع هرگونه انسداد قانونگذاری می‌داند: «با آزادی نطق نمایندگان، راه استدلال و اثبات موضوع حکم عرضی و یا تنبیه بر اشتباه در حکم اولی، همیشه باز و می‌توانند به ادله، آنها را قانع فرمایند.» (روزنامه مجلس؛ ش ۱۰۴، ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۹ق) و البته در امر مطابقت شرعی قوانین و حاکمیت قوانین شرعی از ضرورت اقناع افکار عمومی و ملاحظات عرفی و اجتماعی هم در نمی‌گذرد. چنانچه النهایه می‌گوید؛ چنانچه اجرای احکام اولیه یا ثانویه ایی به جهات عرفی میسر نباشد باید به مراجع عظام تقلید جهت تمهید افکار عمومی توسل جست: «گاهی حکم اولی یا ثانوی به حسب واقع لازم الاجراست، ولی به واسطه اخلاق و عادات ملت، با این مجلس و نظار بلکه با اتفاق علماء مرکز هم ممکن الاظهار و الاجرا نیست و موکول است بر این که مراجع تقلید ضرورت و حاجت به اقرار فرموده و به کلمه واحده بخواهند تا افکار ملت برای تلقی آن حاضر و بتوان به موقع اجرا گذاشت.» (همان)

۴-۳-۲. شیوه انتخاب هیأت نظار

شیخ حسین یزدی در ادامه این نوشتار مبسوطی که درباره اصل دوم متمم قانون اساسی نگاشته است، می‌کوشد متناسب با سوالات و ابهامات مطروحه درباره شیوه اجرای اصل مزبور به تدوین طرح یا آنچه بدان موسوم شده لایحه ایی متضمن یازده ماده پیشنهادی جهت تصویب در مجلس دست یازد و بدین ترتیب ساز و کار اجرای اصل طراز را براساس این مواد قانونی ارائه دهد.

ماده ۱ و ۲ این پیشنهادیه قانونی ناظر به شرایط مراجع تقلیدی بود که بر اساس اصل دوم به معرفی ۲۰ تن از مجتهدین طراز اول اهتمام می‌کردند. با عنایت به عبارت «مساعد با اساس مشروطیت و معتقد به صحت و لزوم اتباع قانون اساسی» که در ماده اول بدان اشاره شده بود مراجع تقلید باید به نظام مشروطیت و قانون اساسی بر آمده از آن اعتقاد و التزام داشته باشند و عدم پایبندی به مبانی و اصول این نظام سیاسی جدید و قانون اساسی مشروطه انسان که از دیدگاه پاره ای مراجع و یا مجتهدین بر می‌آمد مانع دخالت آنها در معرفی علمای طراز بود. ماده ۲ احراز این تقید به قانون اساسی را با «تخصص و مسلمیت و یا خطوط و امهار شریفه آنها» قابل احراز دانسته بود که بیشتر به مفهوم مواضع فقهی و سیاسی آنها درباره مبانی نظام مشروطه بود.

شیخ حسین در در ماده سوم مواد پیشنهادی خود نیز آورده بود: «در صورت تعدد مراجع تقلید که دارای شرط مذکور باشند، معرفی هر یک کافی و اتفاق همه شرط نیست». در واقع وی در پاسخ به سوالاتی که منتقدین اصل طراز در این باره مطرح می‌کردند که اگر چند مرجع تقلید بخواهند مجتهدینی معرفی کنند اتفاق نظر آنها در معرفی لیست ۲۰ نفره لازم است یا هر یک می‌تواند چند نفری معرفی کند تا جمعا تعداد معرفی شدگان فارغ از اسامی مکرر به بیست نفر برسد. گویا نظر دوم را در ماده ۳ ترجیح می‌دهد و اتفاق نظر آنها را لازم نمی‌داند. ماده چهارم اعتبار معرفی شدگان را منوط به استمرار حیات و بقای مراجع معرفی کننده نمی‌داند. ماده پنجم، ابهام دیگری که در اصل دوم متمم قانون اساسی وجود داشت و مورد اعتراض مخالفین بود مورد تبیین قرار می‌دهد؛ چون در اصل طراز در مورد دوره حضور علمای طراز از عبارت «در هر عصری از اعصار» استفاده شده بود و شیخ حسین، این عصر را به معنای یک دوره از مجلس دانسته و آورده بود: «نمایندگان محترم در هر دوره انتخابیه هیئت را از اشخاصی که مراجع تقلید معرفی فرموده‌اند، انتخاب خواهند نمود.» (روزنامه مجلس، ش ۱۰۵، ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۹ق) ولی در عین حال لیست بیست نفره مجتهدین را برای دوره‌های بعدی مجلس واجد اعتبار می‌شناسد تا از میان آنها پنج تن برای هر دوره انتخاب شوند (ماده ۷) و در ماده بعد تصریح می‌کند که بجز اعضای هیأت نظار که عضویتشان در هیأت مزبور با نمایندگی مجلس مانع الجمع است سایر مجتهدینی که در لیست ۲۰ نفره هستند تا زمانی که به هیأت نظار راه نیافته اند حق نامزدی نمایندگی مجلس را دارند و با حضور در هیأت مزبور باید از نمایندگی مجلس استعفا دهند این در حالی بود که وی در دوره دوم مجلس همزمان حضور در هر دو سمت را تجربه کرده و به تعارضات عملی آن آگاه گردیده بود.

در ماده نهم این پیشنهاد قانونی با عبارت «کیفیت انتخاب نظار به ترتیبی است که نماینده را مجلس انتخاب می‌کند»، چگونگی انتخاب پنج نفر از مجتهدین از میان بیست نفر بیان می‌کرد و چون در اصل دوم متمم قانون اساسی، عبارت «بالاتفاق یا به حکم قرعه» برای انتخاب آن پنج نفر توسط نمایندگان مجلس آمده بود شیخ حسین یزدی در حالی که پیش از طرح این مواد در این موضوع پرمناقشه نیز ورود کرده و توضیح داده بود. نظرش این بود که مجتهدین خمس باید به اتفاق یا رای اکثریت نمایندگان مجلس انتخاب شوند: «با این که حقیر در وقت نوشتن و جرح و تعدیل این ماده [اصل دوم متمم قانون اساسی]

حاضر بودم تا وقتی که محل استیلای عملی نشده بود، در ذهنم همان گرفت [قرعه] رای اکثریت بود ... اگر هیئت نظار به ترتیبی که وکیلی در این دوره مجلس انتخاب می‌کنند، انتخاب شود، مخالف با صریح قانون اساسی نخواهد بود و فوائد بزرگ هم دارد؛ تا نظر آقایان عظام چه اقتضاء کند» (روزنامه مجلس، ش ۱۰۴، ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۹ ق)

ماده دهم پیشنهاد شیخ حسین نیز از حیث مقررات داخلی مجلس، شانی، هم‌طراز مخبر کمیسیون مجلس و یا وزیری که به مجلس می‌آید، به اعضای هیأت نظار می‌دهد که «در هر موقع اجازه به آنان داده می‌شود و هرگاه تقاضا کنند ماده [قانون] به کمیسیون ارجاع شود پذیرفته می‌شود.» و ظاهراً براساس آنچه در متن اصل دوم متمم آمده که: «تا مواردی که در مجلسین عنوان می‌شود را به دقت مذاکره، غوررسی نموده و هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد، طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند.» لذا شیخ حسین نیز در ماده آخر پیشنهادی خود پیش بینی ارجاع لوایح قانونی در حال مذاکره در مجلس به هیأت نظار جها اخذ نظر آنها نیز پیش بینی کرده است که به نظر نمی‌رسد با توجه به این که مصوب مجلس النهایه توسط هیأت نظار بررسی می‌گردد چندان مفید فایده باشد.

۵. نتیجه

مهم ترین دستاورد نهضت مشروطه ایران حکومت بر مدار قانون و مقررات معلوم بود. چنین تحولی در ساختار حکمرانی موجب شد تا پاره ای از علمای دینی به جهت حفظ موازین شرعی در امر قانونگذاری علاوه بر حضور در مجلس و تشریک مساعی در تدوین قوانین عرفی بر مطابقت قوانین موضوعه با مبانی شرعی براساس اصل دوم متمم قانون اساسی که به اصل طراز موسوم بود اصرار ورزند.

در این میان شیخ حسین یزدی از مجتهدین مکتب میرزای شیرازی و آخوند خراسانی که در میان علما و اهالی پایتخت از موقعیت علمی و دینی موجه ای برخوردار بود و در صف علمای مبارز و متحصن مشروطه خواه قرار داشت؛ طی سه دوره نمایندگی مجلس شورای ملی، همزمان در دو جبهه سنت گرایان مخالف مشروطه و تجددگرایان شریعت گریز، مساعی فراوانی را جهت تبیین مبانی فقهی و اصولی نهادها و ابزارهای قانونی برآمده از نظام

مشروطیت مصروف داشت تا در روند تکامل نظام نوپای مشروطیت، جانب شرع و قانون همواره محفوظ بماند و مصوبات مجلس امکان اجرای مؤثر در میان مردم بیابد. در همین راستا تلاش علمی و اجرایی وی در تدوین و تفسیر و اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی که ضامن حفظ موازین شرعی در امر قانونگذاری بود از اهمیت زیادی برخوردار است. او در تهیه متمم قانون اساسی و تدوین اصل مزبور، همکاری مؤثری با هیأت مجتهدین ناظر بر تصویب قانون داشت و سپس از اولین و پیگیرترین نمایندگان بود که از مجلس اول تا سوم دائماً هم در مجلس و مطبوعات و هم در ارتباط با مراجع نجف در صدد معرفی علمای طراز اول و تضمین نظارت بر تصویب قوانین بر می‌آمد. او در همین راستا به منظور کاهش اختلاف نظرهایی که درباره اجرای اصل طراز صورت می‌گرفت اقدام به تدوین لایحه قانونی اصل دوم متمم قانون اساسی در یازده ماده نمود که پس از تصویب اصل طراز مهم ترین اقدامی بود که در راستای تاسیس نهاد کنترل شرعی قوانین در نظام قانونگذاری ایران به وقوع پیوست. این تلاشهای علمی و تقنینی وی که در قالب نطق‌های و مقالات متعددی که در این باره در روزنامه مجلس منتشر می‌کرد و با حضور مؤثر در مجلس و هیأت نظار، زمینه تثبیت اصل طراز را فراهم آورد و بطور کلی موجب فرو کاستن چالش‌های نظری نظام حقوقی برآمده از مشروطیت در بستر سنت فقهی یک‌هزارساله این سرزمین شد.

پی‌نوشت

۱. ملاعلیرضا حافظ و کاتب مصحف شریف بود که آثارش در مسجد قلعه ندوشن موجود است. بنیان مسجد مذکور نیز به وی نسبت داده اند. همچنین زیلوهایی که به تاریخ ۱۲۸۵ قمری به نام وی بر کلیه مساجد این شهر وقف گردیده از تمکن و تعلق دینی وی حکایت دارد. او علاوه بر شیخ حسین فرزند دیگری به نام ملامحمد داشت که ملقب به خادم الشریعه بود و سمت امامت جمعه ندوشن را داشت اما در پی رویارویی با خوانین به سال ۱۲۸۳ ش توسط جلال الدوله حاکم یزد به قتل رسید. (سایت فرهنگ ندوشن. farhangenodoushan.ir)

۲. شیخ محمد یزدی مدیر با تجربه ای در دستگاه نو بنیان ثبت اسناد و احوال دوره رضاشاه بود و مرتضی یزدی پزشک و سیاستمدار عضو حزب توده محسوب می‌شد. (شفیع نورمحمدی، ۱۳۹۰:

۳. یکی از اعضای آن مجلس در خاطرات خود آورده است: «شیخ حسین یزدی از روحانیان و علمای آزادیخواه و روشن فکر صدر مشروطیت که تقریباً هفتاد سال داشت به ریاست سنی مجلس معین گردید و من که از جوانترین اعضا بودم به منشی گری برگزیده شدم و چون رئیس سالخورده گوشش سنگین بود بناچار قسمت عمده کار جلسه اول که چند ساعت بطول کشید بر عهده من قرار گرفت. (صدیق، ۱۳۳۸: ۲۶۷)

منابع

- آبادیان، حسین. مفاهیم قدیم و اندیشه جدید (درآمدی نظری بر مشروطه ایران). چاپ اول. تهران. کویر. ۱۳۸۸
- آقابزرگ تهرانی. میرزای شیرازی. چاپ اول. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۶۲
- ابوطالبی، مهدی. «مشروطه‌خواهان مشروعه ساز همراهی و همدلی علمای مشروطه‌خواه نجف با شیخ فضل الله نوری». مطالعات انقلاب اسلامی. سال چهارم. ش ۱۲. ۴۴-۱۱. ۱۳۸۷
- بهار، محمدتقی. تاریخ مختصر احزاب سیاسی. جلد دوم. چاپ هفتم. تهران. امیرکبیر. ۱۳۹۲
- ترکمان، محمد. «سیر تطور اصل دوم متمم قانون اساسی در دوره دوم تقنینیه». مجموعه مقالات تاریخ معاصر ایران ش ۲. موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی. ۱۳۶۹
- جعفری ندوشن، علی‌اکبر. آفرین توکلی. «بررسی مبانی حقوقی و تاریخی تطورات قانون اساسی مشروطه». پژوهش‌های علوم تاریخی. سال ۱۲. شماره ۳۶۷-۴۷. ۱۳۹۹
- جعفری ندوشن، علی‌اکبر. سیدمحسن حکمتی مقدم. بررسی سیرتصویب و اجرای اصل طراز در قانون اساسی مشروطه. مطالعات حقوق عمومی. ۵۱(۴).
- حاجی عباسی، سعید. «وقف نامه مجلس شورای ملی». وقف میراث جاویدان. ش ۴۷ و ۴۸. ۴۵-۳۸. ۱۳۸۳
- حائری، عبدالحسین. اسناد روحانیت و مجلس. کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ۱۳۷۴
- دوانی، علی. خاطرات و مجاهدات حجه الاسلام فلسفی. چاپ چهارم. تهران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. ۱۳۸۲
- شفیع نورمحمدی، قاسم. جاسوسی در حزب. چاپ چهارم. تهران. جهان کتاب. ۱۳۹۸
- صدیق، عیسی. یادگار عمر. جلد اول. تهران. چاپخانه سازمان سمعی و بصری هنرهای زیبای کشور. ۱۳۳۸
- صدر، محسن. خاطرات صدرالاشراف. تهران. وحید. ۱۳۶۴

فلاح توتکار، حجت؛ پرویش. محسن. «مهاجرت علمای عتبات به ایران؛ بازتاب و پیامدهای آن. مطالعات تاریخ فرهنگی». پژوهشنامه ی انجمن ایرانی تاریخ. سال ۴. شماره ی ۱۴. ۱۰۶-۷۵-۱۳۹۱.

فیرحی، داود. فقه و سیاست در ایران معاصر (فقه سیاسی و فقه مشروطه). تهران. چاپ پنجم. نشرنی. ۱۳۹۴.

کدیور، محسن. سیاست نامه خراسانی. چاپ اول. تهران. کویر. ۱۳۸۵
کوهستانی نژاد، مسعود. «مهاجرت علما از عراق به ایران و بازگشت آنان به عراق ۱۳۰۳-۱۳۰۱ شمسی». فصلنامه مطالعات تاریخی. ش ۸۱-۴. ۱۳۸۳.

کوهستانی نژاد، مسعود. شرحی بر رساله تفسیر اصل دوم متمم قانون اساسی از شیخ حسین یزدی. پیام بهارستان. ش ۶۰-۱۰. ۱۳۸۹-۴۱.
کاظمینی، میرزا محمد. دانشنامه مشاهیر یزد. جلد اول. چاپ دوم. یزد. بنیاد فرهنگی و پژوهشی ریحانه الرسول. ۱۳۸۳.

مدرسی، سید جواد. نجوم السرد بذکر علمای یزد. یزد. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ۱۳۸۴
مصاحبه با حجه الاسلام و المسلمین دکتر سید مصطفی محقق داماد. حوزه. دوره ۲۱. ش ۱۴۸. ۱۲۵-۳۰. ۱۳۸۳.

ناظم الاسلام کرمانی، محمد بن علی. تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی. ج ۱. چاپ هشتم. تهران: پیکان. ۱۳۹۸
یزدی، شیخ محمد حسین. مقایسه ممالک یا تقلید بی موضوع. روزنامه مجلس. سال سوم. ش ۱۱۰. ۱۳۲۸. ق.

یزدی، شیخ محمد حسین. تفکیک قوت سیاست از روحانیت. روزنامه مجلس. سال چهارم. ش ۱۰۲. ۱۳۲۹. ق.

یزدی، شیخ محمد حسین. لایحه اقا محمد حسین یزدی در باب اصل دوم قانون اساسی. روزنامه مجلس. سال چهارم. ش ۱۰۳. ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۹. ق.
مشروح مذاکرات مجلس ملی. دوره ۳ جلسه: ۲۳ صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۹ شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۳۳

روزنامه مجلس. سال سوم. ش ۱۳۴. ۲ رجب ۱۳۲۸. ق

روزنامه مجلس. سال سوم. ش ۱۱۰ و ۱۱۱. ۲۶ و ۲۸ ربیع الاخر ۱۳۲۸

روزنامه مجلس. سال چهارم. ش ۱۰۲. ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۹

روزنامه مجلس. سال چهارم. ش ۸۵. جمادی الاول ۱۳۲۹

روزنامه مجلس. ش ۱۰۱ تا ۱۰۴. ۱۹ الی ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۹. ق

روزنامه مجلس. ش ۱۰۲. ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۹ ق
روزنامه مجلس. ش ۱۰۵. ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۹ ق
روزنامه مجلس. ش ۱۰۴. ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۹ ق
روزنامه شفق سرخ. شماره ۱۵۵. ۲۰ اسد ۱۳۲۹ ق
سایت فرهنگ ندوشن. « شیخ حسین ندوشنی یزدی ». www.farhangenodoushan.ir / ۱۰ / ۱۳۹۵